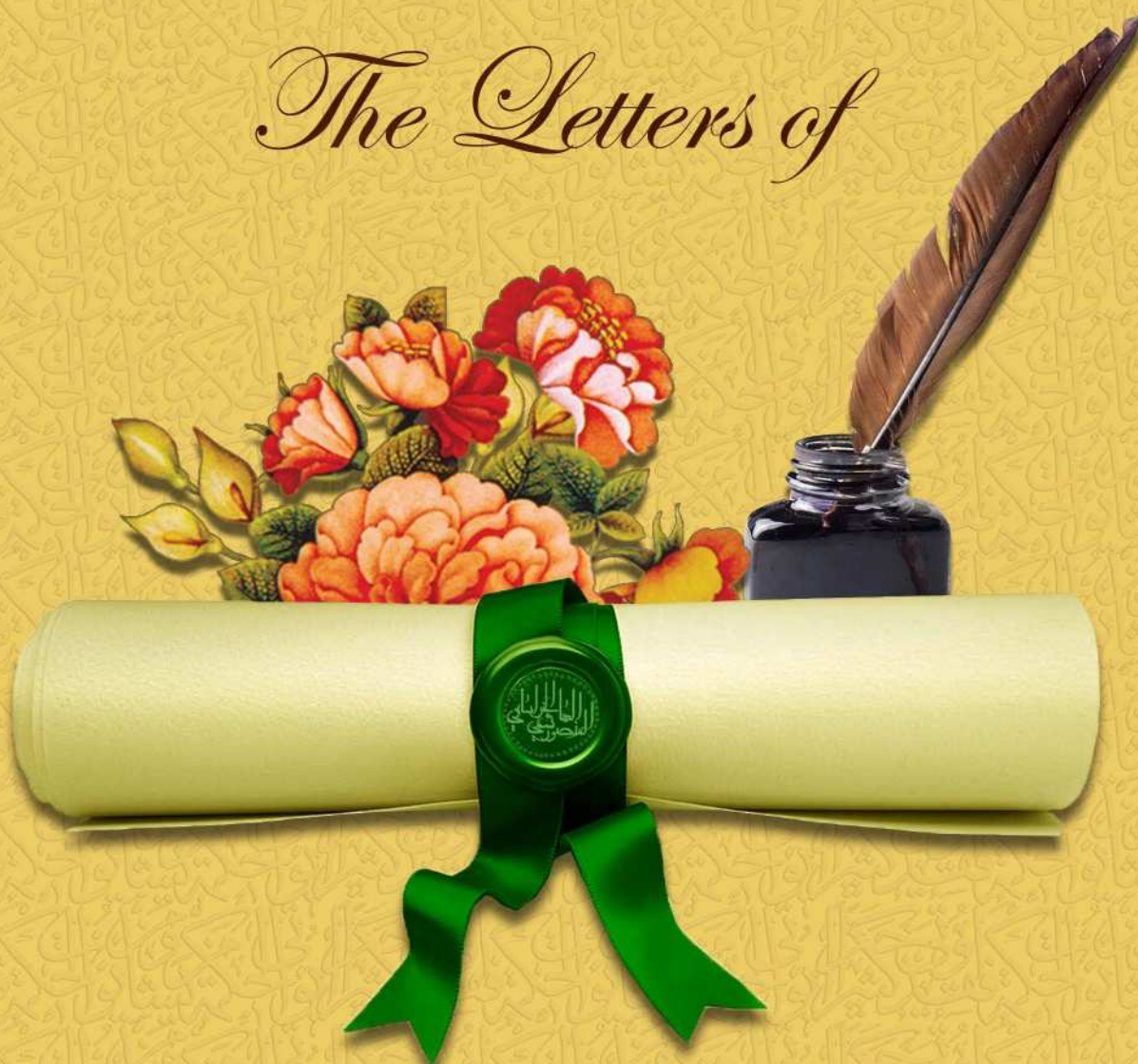


The Letters of



Mansoor Hashemi Khorasani may God protect him

Bismillah Ar-Rahman Ar-Rahim

A letter from his honor in which he gives advice to his companions.

The letter text:

«بسم الله الرحمن الرحيم»

از بنده‌ی خدا منصور هاشمی خراسانی به گروهی که او را یاری می‌کنند؛ و اما بعد..
ای گروه یاران من! خدا را به یاد شما می‌آورم؛ همو که شما را در اوج گمراهی هدایت و در عمق حیرانی دلالت فرمود و در بحبوحه‌ی خواری عزت و در محاصره‌ی نادانی علم بخشید و به راهی درانداخت که راستی آن کجی ندارد و همواری آن ناهموار نمی‌شود، در حالی که مردم در پیرامون شما آتش می‌گیرند و دسته دسته در تاریکی فرو می‌روند. پس نعمت‌های خدا را به یاد آورید و با دست و دل و زبان سپاس بگذارید، باشد که شما را صالحانی قرار دهد و از میاتنان شهیدانی برگزیند.

ای گروه یاران من! باری به سرگذشت پیشینیان نظر کنید و از فرجام آنان عبرت بگیرید؛ همانان که روزهای خدا را از یاد بردند و نعمت‌های او را کفران نمودند، پس تیغ بدبختی بر گردنشان فرود آمد و تیر تباهی بر جناغ سینه‌ی‌شان نشست، پس چنان نابود شدند که گویی هیچ گاه در جهان نبودند! اینک شما در زمین‌های آنان ساکن شده‌اید و بر ویرانه‌هایشان خانه ساخته‌اید، پس به راه آنان نروید و به رسمشان نکنید که آنچه بر آنان رسید، بر شما نیز خواهد رسید، تا عبرتی برای آیندگان شوید، چونانکه آنان عبرتی برای شما شدند! آیا کسانی از شما که ندای ما به آنان رسید و مدعی شدند که آن را پذیرفتند، پنداشتند که به صرف ادعاشان و گذاشته می‌شوند و هرگز آزموده نمی‌شوند؟! چنین نیست، بلکه آنان را می‌آزمایند تا راستگوی آنان را از دروغگو معلوم کنند؛ چراکه بسیار لاف‌ها زده شده و اندکی عمل شده است. زنه‌ار پندارنده‌ای نپندارد که خدا را فریب تواند داد؛ چراکه او فریب‌اترین حيله‌گرها را فریفته و استهزاء نموده؛ هنگامی که پنداشتند از نیات آنان بی‌خبر است و از اغراض آنان آگاه نیست!

ای گروه یاران من! زنه‌ار به سبب یاری خداوند بر او متّی نگذارید؛ چراکه او به یاری شما نیازی ندارد، بل این شما هستید که به یاری او نیازمندید. آیا نمی‌دانید که اگر بخواهد از ریگ‌ها و سنگریزه‌ها برای خود یارانی می‌آفریند؟! پس با او راست بگویید و اخلاص ورزید؛ زیرا کسانی که در آسمانند از هیبت او در هراسند!



ای گروه یاران من! من را از گل‌های زمین خبر دهید که آیا رشد توانند کرد هرگاه در میان‌شان علف‌های هرز و بوته‌های خار باشد؟! همچنین شما رشد نتوانید کرد مادامی که به هوس‌ها و تعلق‌ها مبتلا هستید؛ چراکه نیروی شما را خواهند گرفت و وقت شما را ضایع خواهند کرد.

ای گروه یاران من! همچنانکه شیر را در ظرف‌های آلوده نمی‌ریزند، معرفت را در دل‌های آلوده قرار نمی‌دهند و همچنانکه گوهر را در سطل زباله نمی‌افکنند، حکمت را در سینه‌های ناپاک نمی‌گذارند؛ تا آنان که اندیشه‌ی بد را از دل‌های خود زدوده‌اند به معرفت دست یابند و آنان که شک را از سینه‌های خود بیرون رانده‌اند به حکمت نائل شوند و آنان که بداندیش و شکاک‌اند در جهالت و بی‌خبری بمانند.

ای گروه یاران من! به سخنم گوش فرا دهید تا معرفت یابید و در آن بیندیشید تا حکمت اندوزید؛ چراکه شما را با آن پرورش می‌دهم همان طور که باغبان درخت میوه را؛ تا از شما گروهی بسازم کفایت کننده برای آنکه خلیفه‌ی خدا را در زمین کفایت کنند. همانا شما آفریده شده‌اید برای آخرت و نه برای دنیا؛ پس برای آخرت کار کنید و خود را دلبسته‌ی دنیا نسازید. مثل شما مثل سوارهی دریاست که کشتی‌اش در توفان غرق شد؛ پس خود را به تخته‌ای آویخت تا به جزیره‌ای ناشناخته افتاد. پس چون به هوش آمد و در آن سیر کرد، دریافت که آن جزیره‌ای غیر مسکون است که در آن حیواناتی درنده‌اند و جز اندکی آب و غذا یافت نمی‌شود. من را خبر دهید از او که آیا به این جزیره دل می‌بندد و مشغول می‌شود به ساختن عمارت‌ها -چنانکه گویی برای همیشه در آن خواهد ماند- یا اینکه بسنده می‌کند به یافتن پناهگاهی و مشغول می‌شود به ساختن کشتی و گرفتن توشه‌ای تا خود را نجات دهد؟!

ای گروه یاران من! ما در زمانی زندگی می‌کنیم که جلوه‌های دنیا فزونی یافته و فتنه و آشوب فراگیر شده است. مردم خدا را فراموش کرده‌اند و او نیز آنان را از یاد برده است. در چنین هنگامه‌ی بلاخیزی تنها کسانی دنیا را دگرگون توانند ساخت که دنیا آن‌ها را دگرگون نساخته باشد.

ای گروه یاران من! هنگامی که مردم به دنیا مشغول شده‌اند، شما به آخرت مشغول شوید تا از آن‌ها امتیاز یابید. غصه‌ی دنیا را نخورید؛ چراکه دنیا غصه‌ی شما را نمی‌خورد. آن را واگذارید تا چراگاه کسانی باشد که به آیت‌های خداوند ایمان نمی‌آورند و میان انسانیت و بهیمیت فرقی نمی‌گذارند. آن‌ها برای آنند و آن برای آن‌هاست. مثل آن‌ها مثل کودک است که در ساحل دریا بازی می‌کند و برای خود از ماسه بناها می‌سازد و می‌پندارد که باقی خواهند ماند، ولی ناگاه موجی می‌رسد و همه را خراب می‌کند؛ پس کودک



افسوس می خورد و با حسرت به ماسه ها می نگرد که چه اندازه رنج بیهوده کشیده است! ای گروه یاران من! آیا تعجب نمی کنید از کسانی که شیطان را دوست خود گرفته و به او مأنوس شده اند و آنان را یارای جدایی از او نیست؟! آگاه باشید که هر چیزی غیر خدا که شما را به خود مشغول کند، شیطان است. این گونه برای شما مثل می زنم تا علم را فراگیرید و به کار بندید، نه برای اینکه از آن لذت برید یا با آن بر مردمان برتری جویید، مانند کسانی که علم را برای دنیا فرا گرفتند تا با آن بر جاهلان سیطره یابند و اموال آنان را به باطل بخورند؛ بلکه علم را برای عمل فرا گیرید و بدون چشم داشت به جاهلان بیاموزید تا مایه ی خیر و برکت باشید، نه مانند شوره زار که امید رویش از آن نمی رود!

ای گروه یاران من! آیا به همین بسنده کرده اید که خود را یاران من بشمارید و در عمل به من اقتدا نکنید؟! چگونه می توانم بر شما قیام کنم در حالی که تا این حد لغزنده اید؟! کجا هستند یاران راستین من؟ کجا هستند کسانی که چون مسیح دنیا را پشت سر انداختند و از هر تعلقی به آن آزاد گردیدند؟ کجا هستند کسانی که با مرگ همنشین بودند و خدا را در پیش روی خود می دیدند؟ از هول آتش چنان می گریستند که گویی مادران فرزندی مرده بودند! به اطراف آسمان چنان می نگریستند که می پنداشتی فرشتگان را در جای جای آن می بینند! خدا را می پرستیدند و از پرستش طاغوت می پرهیختند. از پیشوای خود فرمان می بردند و در یاری او از هم پیشی می گرفتند. تو گویی تخته های فولاد بودند یا کوه های سر به فلک کشیده! وقتی در صفوف خود به سوی دشمن می تاختند، تو گویی گردباد و توفان شن به راه می انداختند! رفتار خود را زیر نظر داشتند و وقت هر سخن را می شناختند. به مکارم اخلاق آراسته بودند و از رذائل بزرگ وارسته. در زمین گمنام و ناشناخته بودند و در آسمان معروف و پرآوازه. گرد و خاک بر آن ها نشسته بود و رنگ رخسارشان پریده بود. در میان شب ها چنان بودند که گویی کندوهای عسل اند! در نماز و استغفار و خواندن قرآن صبح می کردند و در علم و جهاد و خدمت به مردم شب. نه خسته می شدند و نه تردید می کردند. خدایشان بیامرزد. روزگار خود را گذراندند و رفتند. اکنون شما برای ما مانده اید. پس بکوشید که جانشینان نیکو باشید برای آن ها و به آن ها اقتدا کنید و بدانید که فرج را نخواهید دید مگر آن گاه که این گونه باشید.»

Translation of the letter:

“In the name of Allah the beneficent the most merciful

From the servant of God, Mansoor Hashemi Khorasani



The Letter Number: 6

to the group who are helping him; and so, what comes next ...

Oh, you my fellow companions! I remind you about God; He who guided you at the peak of deviation and lead you in the peak of bewilderment and dignified you amid the peak of ignominy and granted you knowledge while you were surrounded with ignorance and put you on a way in which its truth has no deformation and its smoothness will not become rough, while people around you are catching fire and are sinking in darkness, one group after another. So, remember the blessings of God and be grateful with your hands and heart and tongue, may He make you some righteous people and select some martyrs from among you.

Oh, you my fellow companions! Behold, look at the fate of the predecessors and take lesson from their destiny; those who forgot the days of God and were ungrateful to His blessings, then the sword of misery came down on their necks and the spear of corruption landed on their breastbone, so they were destroyed as if they never existed in the world! Now you have settled in their lands and built over their ruins, so do not go to the same path as them and do not follow the same tradition as them, because what came to them will also come to you, so that you will be a lesson for the posterity, as they became a lesson for you. Do those of you who received our call of invitation and claimed to accept it, thought that they will be left merely because of their claim and that they will never be under trial? This is not the case, but they will take them under trial so that they distinguish between the liar and the truthful, because there have been too many



who boasted and too little of action has been taken; behold, nobody may think that one can trick God, because He has tricked and mocked the greatest of deceivers, when they thought He is unaware of their intentions and disinformed of their goals.

Oh, you my fellow companions! Behold, do not tease God because of your support for Him, because He does not need your help, but it is you who need His help. Do you not know that if He wills, He will create helpers for Himself from the pebbles and stones? So, tell Him the truth and be honest with Him, for, those who are in heaven are afraid of his glory!

Oh, you my fellow companions! Inform me about the flowers of the earth, do they grow when there are weeds and thistle bushes among them? You as well cannot grow so long as you have desires and belongings; because they will take your strength and waste your time.

Oh, you my fellow companions! As they do not pour the milk in the contaminated containers, they do not put knowledge in the infected hearts and like one does not throw a gem in the trash, they do not put wisdom in the unclean chests, so that those who have removed evil thoughts from their hearts will access knowledge, and those who have driven doubt out from their chests, will gain wisdom, and those who are skeptical and ignorant will stay in ignorance and isolation.

Oh, you my fellow companions! Listen to my word so that you gain knowledge and think about it, so that you collect wisdom, because I cultivate you with it as the gardener does to a fruit tree; so that I will make you a suffi-



The Letter Number: 6

cient group for the Caliph of God and to suffice him on the earth. Indeed, you are created for the hereafter and not for the world; Therefore, work for the hereafter and do not make yourself addicted and attached to the world. Your similitude is the sailor on the sea whose ship was drowned in the storm and he then hung on a rock bed and fell on an unknown island. So, when he got his consciousness back and voyaged in it, found that it is an uninhabitable island in which animals are predators and in which little water and food is found. Tell me about him, does he get attached to this island and starts to build mansions - as if he will live there forever - or does he suffice to find a refuge only and start to build a ship and collects a provision to save himself?!

Oh, you my fellow companions! We live in a time when the ornaments of the world have increased, and turmoil and turbulence have become widespread. People have forgotten the God, and He has also forgotten them. In such a disastrous era, only those can transform the world whom world has not transformed them.

Oh, you my fellow companions! When people are busy with the world, you get busy with the hereafter so that you surpass them. Do not grieve over this world, because the world does not grieve over you. Leave it out so that it becomes the pasture for those who do not believe in the God's signs and do not differentiate between humanity and bestiality. They are for it and it is for them. Their similitude is a child who plays on the beach and builds himself structures from sand and he thinks that they will last, but suddenly a wave comes and ruins all of them; so, the child falls in sorrow and he looks at the sands with



regret and thinks to what extent he suffered in vain!

Oh, you my fellow companions! Do you not become surprised at those who have taken the devil as their friend and are attached to him and cannot stand his separation?! Be aware that anything other than God that engages you is Satan. I bring you examples like this so that you will learn knowledge and practice it, not to enjoy it or to seek superiority over people with it, such as those who mastered knowledge for this world and to dominate over the ignorant people and eat their wealth and assets in falsehood; rather learn knowledge for action and educate the ignorance without any expectation for compensation so that you become a source of goodness and blessing, and not to become like a salt marsh in which there is no hope for fertility.

Oh, you my fellow companions! Have you sufficed to call yourselves my companions and yet do not follow me in practice? How can I rise with you while you are so slippery to such an extent?! Where are my true helpers? Where are those like Christ who have left the world behind and liberated themselves from any kind of attachment to it? Where are like of those who were companions of death and saw God before them? They cried in the fear of fire to such an extent that you would think they are mothers who have lost a child! They looked around in the sky and you would think as if they were looking at the angels all over it! They worshiped God and abstained from worshipping Taughut. They followed the commands of their leader and were competing each other in helping him. You would think they were boards of steel or mountain peaks who were as high as the sky! When



The Letter Number: 6

they rushed toward the enemy in their warrior lines, they seemed like a whirlwind and they created a sand storm. They monitored their behavior and knew the proper time for every word. They were adorned with moral ethics and were pure from immoralities. They were unknown and anonymous on earth but were well known and prominent in the heavens. The dust was sitting on them and their face were pale in color. During the nights they were in a such an state as if they were honey beehives! They turned their night to morning with prayer and ask for forgiveness and recitation of the Qur'an and turned their days into night by gaining knowledge and Jihad and serving people. Neither they got tired nor became doubtful. May God bless them, they spent their days and left; Now you have remained for us, so try to be good successors for them, and follow their steps and know that you will not see the Faraj¹ unless you are so, as to them."

Explanation of the letter:

If this letter is read to a dead, it is not unlikely that he may be revived; but the word of his honor where he said: "People have forgotten the God, and He has also forgotten them." is the word of the Almighty and glorified God who says: ﴿نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ﴾ (At-Tawbah/ 67); "They forgot God, therefore He also forget them as well" and it is understood that they forgot God, therefore God left them alone to themselves as if it seems He has forgotten them, but not in the sense that He has truly lost them from His memory, because God is not forgetful, as He said: ﴿وَمَا كَانَ رَبُّكَ نَسِيًّا﴾ (Maryam/ 64); "and your Lord is not forgetful".

1 . The liberation from the hardship of the end of times and emergence of justice and prosperity after injustice and corruption.



Therefore, it is hereby understood that the words of his honor, even though seems to be weird in some sense, but, conforms to the word of God and does not deviate from it and this is a sign for meticulous people.

